

نمودها، کارکردها و تجلی‌های فرکیانی در قصه‌های ایرانی

سحر یوسفی^۱ محمد ایرانی^{۲*} خلیل بیگزاده^۳ امیرعباس عزیزی^۴

(دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۳)

چکیده

قصه‌های عامه یکی از انواع جذاب و پُرکشش فرهنگ و ادبیات عامه است که به شکل روایت‌های شفاهی و کهن گزارش شده‌اند. فرکیانی از مفاهیم برجسته در باورهای اساطیری و حماسی است که در قصه‌های عامه نیز نمود یافته است. هرچند نمونه‌های بارز، پادشاهان فره‌مند در اساطیر و حماسه، فر خود را به شکل موروثی کسب کرده‌اند؛ اما این شکل تنها شیوه کسب فرکیانی نیست. این نوشتار به شیوه توصیفی - تحلیلی می‌کوشد تا ماهیت فرکیانی را در مجموعه چهار جلدی *قصه‌های ایرانی* بکاود. مطالعه قصه‌های ایرانی و استخراج نمونه‌های متعدد از پادشاهان قصه‌ها نشان می‌دهد که ماهیت، تجلی‌ها، اشکال و ویژگی‌های فرکیانی تا چه پایه کارکردهای اسطوره‌ای‌شان را در قصه‌های ایرانی حفظ می‌کنند. فرکیانی در قصه‌ها اغلب به شکل موروثی است، نمونه‌هایی هم وجود دارد که این موهبت به شکل موقت یا دائمی از پادشاه گرفته می‌شود. با این حال، اندیشه‌های امیدبخش فرهنگ عامه در بستر داستان‌ها امکان رسیدن طبقات فرودست جامعه را به مرتبه پادشاهی و فره‌مندی فراهم می‌سازد. از آنجا که قصه‌ها به سبب غنا و دیرینگی‌شان در ناخودآگاه جمعی بشر ریشه دارند، افزون بر تجلی‌های مادی و معنوی که برای فرکیانی در قصه‌ها

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

* moham.irani@gmail.com

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی

۴. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی

وجود دارد، ویژگی بخت‌یاری اشخاص فرمند هم بستری برای ظهور انگاره‌های کهن‌الگویی فراهم می‌سازد.
واژه‌های کلیدی: فر کیانی، بخت‌یاری، انگاره‌های کهن‌الگویی، قصه‌های ایرانی.

۱. مقدمه

اسطوره‌ها، افسانه‌ها و قصه‌ها، روایت‌هایی کهن‌اند که از سنتی شفاهی سرچشمه می‌گیرند. از ویژگی‌های مشترک قصه و اسطوره، آن است که هر دو محصول خیال‌پردازی جمعی بشرند. در فرهنگ‌نامه‌ها هم بین اسطوره و قصه‌های عامه نمی‌توان مرز مشخصی یافت. در صورتی که حتی آن‌ها را از یکدیگر جدا کنیم، باز هم هر یک از این انواع، یکی از عناصر مهم فرهنگ و هویت قومی و ملی به‌شمار می‌آیند و پیوندهای بی‌شماری با یکدیگر دارند.

مفهوم فر کیانی، یکی از مفاهیم اسطوره‌ای در اندیشه کهن ایرانیان است. این اندیشه، با حفظ یا تغییر کارکردهایش از دنیای اسطوره عبور می‌کند و به دنیای حماسه و فرهنگ عامه راه می‌یابد. فر کیانی، باوری ریشه‌دوانیده و مشترک در معتقدات اسطوره‌ای و حماسی است که با جنبه‌های مختلفی در قصه‌ها نمود می‌یابد؛ از این روی پرسش اصلی پژوهش این است که جلوه‌ها و نمودهای فر کیانی در قصه‌های عامه ایرانی چیست؟ این پرسش اصلی در قالب پرسش‌های جزئی‌تری از قبیل: چیستی خصوصیات شخص فرمند، چگونگی به‌دست‌آوردن فر، علت گسست فر، چرایی فر غالب و نمودها و تجلی‌های آن در قصه‌ها پاسخ داده می‌شود. سپس در صدد آن است تا پیوند ظهور انگاره‌های کهن‌الگویی را با بخت‌یاری شخص فرمند بکاود.

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی درباره اندیشه فره‌باوری انجام شده است؛ از جمله جابر عنصری در تجلی دوازده ماه در آیین اساطیر و فرهنگ عامه ایران (۱۳۷۴) به ویژگی‌های دارنده این موهبت و چگونگی شرایط کسب آن در آثاری نظیر اوستا، شاهنامه و روایت‌های شفاهی نقالان پرداخته است. مهرداد بهار در پژوهشی در اساطیر

نمودها، کارکردها و تجلی‌های فرکیانی در... _____ سحر یوسفی و همکاران

ایران (۱۳۷۶)، ضمن بحث‌های اسطوره‌شناسی‌اش از موهبت فر، جلوه‌ها و ویژگی‌های آن در باورهای اسطوره‌ای ایرانیان سخن گفته است. ابراهیم پورداوود در *یشت‌ها* (۱۳۷۷)، فر را از منظر لغوی، اصطلاحی و نقشی که در تکوین باورهای کهن ایرانیان داشته، بررسی کرده است. ابوالعلاء سودآور (۱۳۸۳) در *فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان*، نمادهای فر و جنبه‌های دوگانه آن را در فرهنگ ایران و روم کاویده است. موسوی و خسروی در *پیوند خرد در اسطوره و شاهنامه* (۱۳۸۹) خرد را در خلال باورهای اسطوره‌ای و *شاهنامه* کاویده‌اند تا پیوند آن را با اختیار اثبات کنند.

از میان مقالات متعدد منتشرشده دربارهٔ فره‌باوری به مواردی اشاره می‌شود: ژاله آموزگار (۱۳۷۴) در مقاله «فره، این نیروی جادویی و آسمانی» ماهیت فر و جنبه‌های ماورائی و جادویی آن را در اندیشه‌های اساطیری کاویده است. محمود صدری (۱۳۷۵) در مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم فره ایزدی در شاهنامه» این اندیشه اسطوره‌ای - حماسی را در *شاهنامه* از منظر نظریات جامعه‌شناسانه بررسی کرده است. همایون کاتوزیان (۱۳۷۷) در مقاله «فره ایزدی و حق الهی پادشاهان» به کارکرد این اندیشه در باورهای ایرانیان پرداخته و چگونگی گسیختن فر در اساطیر و *شاهنامه* را بررسی کرده است. حسین زمانی (۱۳۸۶) در مقاله «شاه آرمانی در ایران و بایستگی‌های او» شرایط لازم پادشاهی آرمانی را در متون آیینی و اسطوره‌های قومی بررسی کرده و بر آن بوده است تا این بایستگی‌ها را در باور فرکیانی شناسایی، توصیف و تحلیل کند. محمدی و بی‌طرفان (۱۳۹۱) در مقاله «انتقال و تحول اندیشه سیاسی فره ایزدی از ایران باستان به ایران اسلامی» سیر تحول این باور اسطوره‌ای را به ابزاری با کارکردهای سیاسی در متون تاریخی نظیر تاریخ بیهقی کاویده‌اند. *فاطمه* ماه‌وان و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی نمادهای تصویری فر (با تأکید بر نگاره‌های شاهنامه)» به یافتن نمادهای فر از طریق کندوکاو در منابع تصویری پرداخته و سپس نمادهای فر را در سه نقش‌مایه نور، پرنده و سریر جست‌وجو کرده‌اند. احمدوند و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «فهم تحول و تطور اسطوره فره ایزدی» به بررسی چگونگی احیای کارویژه‌های سیاسی این اندیشه در عهد ساسانیان و پس از آن پرداخته‌اند. کلاهیچیان و یوسفی (۱۳۹۶) در مقاله «تأملی بر جلوه‌های فره‌باوری در تاریخ بیهقی» نمودهای اعتقاد به فر را در تاریخ

بیهیته بررسی کرده و کارکردهای سیاسی این اندیشه را به موازات کارکردهای اسطوره‌ای و حماسی‌اش کاویده‌اند؛ اما تاکنون در نوشتاری فره کیانی در فرهنگ و ادبیات عامه بررسی نشده است.

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

داستان‌ها و قصه‌های عامه، یکی از ابزارهای انتقال اندیشه و نمودهای برجسته از میراث فرهنگی هر قوم و ملتند. قصه‌های عامیانه دو سطح رویین و ژرف دارند و برای دریافت لایه‌های فکری‌شان ناگزیریم به لایه‌های ژرف آن‌ها توجه کنیم.

فر کیانی یکی از کهن‌ترین باورهای اسطوره‌ای ایرانیان است و ردپای این اندیشه را می‌توان در متون اساطیری جست. افزون بر متون اساطیری، فر کیانی باوری غالب در متون حماسی، افسانه‌ها و فرهنگ عامه است. این اندیشه بستر مناسبی را برای پژوهش در متون اساطیری، حماسی و حتی تاریخی فراهم آورده است؛ اما با وجود ظرفیت زیادی که در فرهنگ عامه هم دارد، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. تاکنون در نوشتاری به بررسی نمودهای فر کیانی، کارکردهای و تجلی‌های آن در قصه‌های عامیانه پرداخته نشده است.

مجموعه چهار جلدی قصه‌های ایرانی، گنجینه‌ای ارزشمند از قصه‌های عامیانه است که در دو دههٔ چهل و پنجاه به همت انجوی شیرازی و یاری تعدادی از پژوهشگران حوزه فرهنگ عامه از سراسر ایران و با همیاری گستردهٔ خود مردم جمع‌آوری شده است. از سویی تمام گردآوردگان قصه‌ها، شیوه‌های علمی جمع‌آوری مواد فرهنگ عامه را دیده بودند (انجوی شیرازی، ۱۳۹۳: ۲/ ۴۵۱-۴۵۴). مارزلف هم انجوی شیرازی را فردی توانا و متعهد می‌داند که «متونی را با درجهٔ بالایی از اصالت گردآورد و هم شک و نگرانی بدوی روشنفکرانی را که می‌پنداشتند پرداختن جدی به میراث فرهنگی عوام، کاری است منسوخ و عقب‌مانده، از بین برد» (مارزلف، ۱۳۷۱: ۳۰۶). پیش از قصه‌های ایرانی باید به مجموعه قصه‌های صبحی مهتدی اشاره داشت. صبحی مهتدی برای نخستین بار جنبش گردآوری قصه‌های شفاهی را بنیان گذاشت. از نظر پژوهشگران هر چند انتشارات صبحی بسیار ارزشمند است باز دارای عیب بزرگی است؛ زیرا قابل اعتماد

نمودها، کارکردها و تجلی‌های فرکیانی در... _____ سحر یوسفی و همکاران

نیست، چه از نظر محتوای موضوعی و چه از لحاظ نکات زبانی، صبحی خود در مقدمه خویش می‌گوید که بر مبنای تحریرهایی که در اختیار داشته متن جدیدی نوشته است و کوشیده است تا صورت محتمل هر قصه را بازسازی کند (همان، ۱۹).

پژوهش حاضر، ۲۰۱ روایت مجموعه چهار جلدی *قصه‌های ایرانی* را بررسی کرده است. ابتدا مضمون پادشاهی را در تمام این داستان‌ها استخراج کرده‌ایم. سپس نمونه‌های مستخرج را از منظر انواع فرکیانی، ویژگی‌های فرکیانی، شیوه‌های کسب این موهبت و تجلی‌های آن در قصه‌های عامیانه دسته‌بندی و تحلیل کرده‌ایم. در پایان، بخت‌یاری و اقبال نیک را - به‌عنوان ویژگی اصلی فرکیانی - از منظر انگاره‌های کهن‌الگویی بررسی کرده و پیوند بخت‌یاری و کهن‌الگوها را با یکدیگر کاویده‌ایم.

۴. فرکیانی در اساطیر و حماسه‌ها

فر یا فره، در شمار باورهای دیرینه ایرانیان است که در تعریف اصطلاحی آن گفته می‌شود: «یک هستی مینوی است» (کومون، ۱۳۸۶: ۳۵). فر پادشاهی، یکی از مهم‌ترین انواع فر است که: «فروغ یا موهبتی است ایزدی که هر کس از آن برخوردار شود، برازنده سالاری و فرمان‌روایی گردد و به شهریاری رسد» (اوستا، ۱۳۸۲: ۱۰۱۷/۲)؛ از این روست که در باورهای اساطیری هر کس را که به پادشاهی می‌رسید، برخوردار از موهبت فره می‌دانستند.

در اغلب موارد این باور غالب است که فرکیانی موروثی و انحصاری بوده است: «در آغاز چنین می‌اندیشیدند که فر ودیعه‌ای است فقط مخصوص فرمانروایان برحق ایران. در حالی که چنین نیست و همه مردم فره را دریافت می‌کنند» (آموزگار، ۱۳۸۷: ۳۵۲). از آنجا که در باورهای اساطیری و حماسی می‌بینیم «فرمانروایان نامی، فره شناخته‌شده‌ای دارند که به‌صورت میراثی درمی‌آید» (همان، ۳۵۳)، باور به موروثی بودن این موهبت بیش از پیش در ذهن نقش می‌بندد. در نگاه نخست شاید این تصور وجود داشته باشد؛ اما پیوند این موهبت با خرد و خویشکاری نشان می‌دهد که «فر ایزدی، امتیازی فوق بشری نیست که بی‌حساب و کتاب و بدون کسب شایستگی به کسی تعلق گیرد. موهبتی است که پاداش خردورزی و انجام دادن خویشکاری است که خود،

نتیجه خواست و اراده انسان است» (موسوی و خسروی، ۱۳۸۹: ۲۵۷). بنابراین، می‌توان دو شکل برای دریافت فر کیانی برشمرد: «کسب فر یا موروثی بود یا از طریق پیروزی بر دشمنان و حریفان» (سودآور، ۱۳۸۳: ۸۷).

در باورهای اساطیری ایرانیان، مستقیماً به انتقال فر به شکل موروثی اشاره می‌شود؛ اما تلاش و رقابت برای تصاحب فر قابل تأمل است؛ از جمله در زامیادیش، افراسیاب، کاووس و کیخسرو برای آناهیتا، ستوران پیشکش می‌برند تا به «فر شناور» دست یابند؛ اما آناهیتا، کاووس و کیخسرو را کامیاب و افراسیاب را ناکام می‌سازد (همان، ۳۰۵-۳۰۶). آذر و ضحاک هم برای تصاحب فر روبه‌روی هم قرار می‌گیرند و رقابت می‌کنند (همان، ۴۹۳-۴۹۷). پیشکش بردن برای ایزدان، بخشش این موهبت و تلاش برای کسب آن در باورهای اساطیری، می‌تواند دلیلی برای شکل دوم (غیر از موروثی بودن) به دست آوردن فر کیانی باشد. در باورهای اساطیری - حماسی، فر کیانی شایسته خردمندان درستکار است؛ چون فر «با کژی و نابخردی سازگار نیست» (عنصری، ۱۳۷۴: ۶۳). افزون بر خردورزی و راستی، یکی دیگر از ویژگی‌های اصلی شخص فره‌مند، دادورزی و مهربانی است؛ زیرا «فر پرتوی خدایی است، ناگزیر باید آن را فقط از آن شهریاری شمرد که یزدان‌پرست و پرهیزگار و دادگر و مهربان باشد» (پوردادود، ۱۳۷۷: ۳۱۵/۲).

در فرهنگ حماسی - اساطیری ایران به روایت منابع بعد از اسلام هم به نمونه‌هایی از فر استحقاقی اشاره می‌شود؛ نظیر پادشاهی دوازده‌ساله افراسیاب بر ایران (صدیقیان، ۱۳۷۵: ۱/ ۳۲۴). افراسیاب به‌گونه‌ای موقت استحقاق کسب فر را پیدا می‌کند: «این مرد تنها یک بار فر کیانی را به دست داشت و آن وقتی بود که زنگیاب دروغ‌پرست را که از دشمنان ایران بود، کشت؛ اما دیگر بار، هر چه کوشید از او نصیبی نیافت و فر از او می‌گریخت» (واحددوست، ۱۳۸۷: ۱۹۴).

۵. فر کیانی در قصه‌های عامیانه ایرانی

اندیشه فر کیانی در کنار نموده‌های اساطیری - حماسی در قصه‌های عامه هم بازتاب می‌یابد. در پیوند اسطوره، حماسه و قصه می‌توان گفت: «اسطوره در کنار افسانه، حماسه و فولکلور، یکی از عناصر شکل‌دهنده فرهنگ و هویت قومی و ملی جوامع

نمودها، کارکردها و تجلی‌های فرکیانی در... _____ سحر یوسفی و همکاران

بوده است» (گریمال و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۱). هنگامی که اسطوره، افسانه و قصه‌های عامه را از لحاظ شکل و به‌عنوان انواع داستان بررسی می‌کنیم، تفاوت‌های آن‌ها از چشم می‌افتند (فرای: ۱۳۸۷: ۱۰۷).

۵-۱. انواع فرکیانی در قصه‌های ایرانی

در قصه‌های عامه مانند باورهای اسطوره‌ای - حماسی، شیوه‌های به‌دست آوردن فر، از دو حالت خارج نیست؛ یا پادشاه فر را به‌شکل موروثی برای فرزندش به‌جای می‌گذارد و یا شخص با انجام خویشکاری‌های لازم و غلبه بر دشمنان، استحقاق پادشاهی را پیدا می‌کند. بررسی مجموع ۲۰۱ روایت مجموعه چهار جلدی قصه‌های ایرانی نشان می‌دهد که در ۷۵ روایت، مضمون پادشاهی و شخصیت پادشاه در متن قصه‌ها حضور دارد.

۵-۱-۱. فر موروثی

در تعدادی از روایت‌ها، پادشاه یکی از شخصیت‌های قصه است که از چگونگی کسب فر او سخنی در میان نیست و تنها جلوه‌های بخت‌یاری او نمود می‌یابد. در جامعه آماری، این وضعیت ۵۳ نمونه را به خود اختصاص می‌دهد. با این حال بر اساس بررسی سایر نمونه‌ها که روند داستان چگونگی به‌دست آوردن فر را نشان می‌دهد، در نمونه‌های مذکور فرکیانی را موروثی پنداشته‌ایم؛ زیرا موروثی بودن پادشاهی در این قصه‌ها، دلیلی بر موروثی بودن فر پادشاهی هم هست. در باورهای عامه نیز این موضوع به‌خوبی دیده می‌شود تا آنجا که در داستان پادشاهان پیری که صاحب فرزند نیستند، دغدغه نبودن جانشین را می‌بینیم؛ برای نمونه در داستان «شاهزاده ابراهیم و فتنه خون‌ریز» پادشاه «آهی کشید و رو به وزیر کرد و گفت: ای وزیر بی‌نظیر، عمر من دارد تمام می‌شود و اولاد پسری ندارم که پس از من صاحب تاج و تخت من بشود، نمی‌دانم چه فکری بکنم» (انجوی شیرازی، ۱۳۹۳: ۳۹/۱). بنابراین می‌توان گفت که در این نمونه‌ها، فر به‌شکل موروثی است.

۵-۱-۲. فر استحقاقی

در قصه‌های عامه نمودهایی غیر از فر موروثی وجود دارد و شخص از روی شایستگی و یاری اقبالش به پادشاهی می‌رسد. هر چند تعداد این نمونه‌ها پربسامد نیست؛ اما در همین نمونه‌های امیدبخش می‌بینیم که پایین‌ترین افراد در نظام طبقاتی می‌توانند با خویشتکاری به مرتبه پادشاهی برسند. نمونه‌هایی که افراد طبقات عامه، شایستگی کسب فر را پیدا می‌کنند، از دو حالت خارج نیست: یا پادشاه از روی میل و رضا از قدرت کناره‌گیری می‌کند یا ناگزیر از واگذاری تاج و تخت است.

در داستان «آکچلک»، قهرمان پسری از طبقه عامه است که طی سفرش، دختر شاه پریان را نجات می‌دهد و پادشاه پریان انگشتر جادویی حضرت سلیمان را به قهرمان پادشاه می‌دهد. او با داشتن این انگشتر به قدرت و ثروت زیادی می‌رسد و با دختر پادشاه سرزمین خود ازدواج می‌کند. در پایان داستان، پادشاه که به سن کهولت و پیری رسیده، داماد جوان و توانمند خود را بر تخت می‌نشاند (انجوی شیرازی، ۱۳۵۳: ۵۳-۵۷).

در حالت دوم، پادشاه حکومتش را به دلیل ظلم یا به سبب حرص و طمع بی‌پایانش، از دست می‌دهد؛ برای نمونه، داستان «تعبیر خواب» ماجرای پادشاهی ظالم و بی‌خرد است و در آن، مرد چوپانی به یاری بخت و اقبالش می‌تواند بر موانعی که آن پادشاه ایجاد کرده است، غلبه کند و در نهایت به جای او بر تخت بنشیند (همان، ۸۶-۸۸).

۵-۲. ویژگی‌های پادشاهان فره‌مند

خردورزی، مهربانی و دادگری خصلت‌هایی هستند که در باورهای اساطیری - حماسی دارنده خود را شایسته موهبت فر می‌سازند. این ویژگی‌ها برای پادشاهان در قصه‌های عامه هم نمود بارزی دارند؛ برای نمونه در داستان «کچل و قاضی»، پادشاهی خردمند وجود دارد که شب‌ها در لباس مبدل و کهنه شهر به شهر می‌گردد تا واقعیت‌های روز را جست‌وجو کند (انجوی شیرازی، ۱۳۹۳: ۱/۳۱۵).

دادگری از دیگر ویژگی‌های پادشاهان فره‌مند قصه‌هاست که سبب رعیت‌پروری و محبوبیتشان می‌شود: «یکی بود یکی نبود، پادشاهی عادل و رعیت‌پرور بود که شب و روز به فکر مردم بود» (انجوی شیرازی، ۱۳۹۳: ۲/۲۹۳). در داستان «پسر پادشاه و دختر

نمودها، کارکردها و تجلی‌های فرکیانی در... _____ سحر یوسفی و همکاران

چوپان»، دغدغه پادشاه برای کسب رضایت از چوپان جلوه دیگری از دادگری پادشاه است. پادشاه به وزیرش می‌گوید: «بنای سلطنت من از اول بر عدل و داد بوده و حاضر نیستم کوچک‌ترین ظلمی به رعیت خود بینم. باید کاری کنی که از روی رضا و رغبت دختر چوپان را به عقد خود دریاورم» (انجوی شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۱۰).

۳-۵. کاستن و تقویت فرکیانی

همان‌گونه که فر در باورهای اسطوره‌ای متغیر است و «می‌تواند به‌واسطه پیروزی افزایش یابد و به‌دلیل شکست، کاهش پیدا کند و یا به‌طور کلی از دست برود» (سودآور، ۱۳۸۳: ۱۵)، در قصه‌های عامه هم این موهبت، افزوده، کاسته و یا بازپس گرفته می‌شود. در اغلب داستان‌هایی که پادشاه قصه پیر می‌شود، حاکم، پادشاهی را واگذار می‌کند؛ زیرا پیری با کاستن قدرت و نیروی فر همراه است و در نتیجه فری توانمندتر و جوان‌تر غالب می‌شود؛ نظیر داستان «شاهزاده ابراهیم» که در پایان قصه می‌خوانیم: «چون پادشاه پیر شده بود، شاهزاده را بر تخت نشانند و دستور داد به نامش سکه زدند» (انجوی شیرازی، ۱۳۹۳: ۱/۴۵).

در بیشتر این قصه‌ها، فرکیانی با پیروزی‌های شاهزادگان جوان تقویت می‌شود؛ برای نمونه در داستان «شاهزاده و دلارام»، قهرمان قصه شاهزاده‌ای است که برای ازدواج با دختر شهر چین‌وماچین، به آن سرزمین می‌رود و در راه بازگشت، گرفتار دیو‌هایی می‌شود که شاهزاده خانم را می‌ربایند. شاهزاده، به جنگ با دیوها می‌رود و آن‌ها را نابود می‌کند. پس از بازگشت، پادشاه فرزند شجاع خود را به جای خویش بر تخت پادشاهی می‌نشانند (انجوی شیرازی، ۱۳۵۵: ۸۳-۸۴).

۴-۵. چرایی فر غالب در شکل موروثی

فر، موهبتی ثابت و پایدار نیست و نوسانات فر «تذکر برای کوشش مداومی است که برای نگهداری و افزایش آن لازم است» (سودآور، ۱۳۸۳: ۲۱). هر چند در جامعه آماری، نمونه‌های فر غالب چشمگیر نیست؛ اما در بیشتر همین موارد با شکل غلبه فر پسر بر فر پدر روبه‌رو هستیم که یا از روی رضایت پادشاه است و یا پادشاه در پذیرش این امر، چاره‌ای ندارد. موارد معدودی نیز وجود دارد که فردی از طبقه عامه پادشاه را

مغلوب می‌سازد. در شاهنامه هم نمونه‌ای از غلبه فر را در کناره‌گیری کیخسرو از قدرت می‌بینیم. کیخسرو در اوج قدرت و اقتدار از ترس گرفتار شدن به کبر و بیدادگری، داوطلبانه از پادشاهی کنار می‌رود (فردوسی، ۱۳۸۹: ۶۰۲). در ادامه، نمونه‌هایی از غلبه فر شاهزاده بر فر پدر و برادرانش ذکر می‌شود.

در داستان «باغ سیب»، شاهزاده پس از کشتن سه دیو و یک ازدها گرفتار حسادت برادران می‌شود. برادرانش سعی می‌کنند تا برادر کوچک‌تر را نابود کنند. وقتی پادشاه ماجراهای شهادت فرزند خود و خیانت پسرانش را می‌شنود، تاج و تخت را به پسر لایقش واگذار می‌کند (انجوی شیرازی، ۱۳۹۳: ۱/۲۱۳).

در مواردی که پادشاهان با رضایت تخت خود را واگذار نمی‌کنند، در نتیجه ستم و خودکامگی‌شان از بین می‌روند؛ برای نمونه در داستان «برگ مروارید» پسر کوچک پادشاه، به دلیل ستم‌های پادشاه در حق مادرش و خیانت‌های برادران خود، پادشاه و برادرانش را از بین می‌برد. سپس بر تخت می‌نشیند (همان، ۱۹۲-۱۹۵).

۵-۵. چگونگی فر غالب در شکل استحقاقی

در قصه‌های ایرانی نمونه‌هایی هم وجود دارد که قهرمانانی از طبقه عامه و بدون داشتن فر موروثی، بر فر پادشاه غلبه می‌کنند؛ برای نمونه داستان «گربه سبز نقاره»، ماجرای چوپانی است که با شاهزاده خانمی ازدواج می‌کند و در سرزمین دیگری ساکن می‌شوند. او با راهنمایی‌های همسرش، پادشاه ستمکار آن سرزمین را نابود می‌سازد و به جای او بر تخت می‌نشیند (انجوی شیرازی، ۱۳۵۳: ۳۲-۳۴).

نکته درخور توجه در نمونه‌های فر استحقاقی پادشاهان قصه‌ها، وصلت قهرمان قصه با شاهزاده‌خانم است. در آزمون‌های دشوار اسطوره‌ای، قهرمان به کمک و پشتیبانی الهگان نیاز دارد تا موانع را پشت سر بگذارد (کمپیل، ۱۳۸۷: ۱۳۷)، الهگان اسطوره‌ها، در حماسه‌ها و افسانه‌های عامه تا حد شاهزاده‌خانم‌ها نزول می‌کنند و می‌توان آن‌ها را شکل کاهیده الهگان در افسانه دانست؛ هر چند از پی‌رنگ حماسی این قصه‌ها کاسته می‌شود؛ اما شاهزاده‌خانم‌ها می‌توانند نقص نداشتن فر را به شکل موروثی برای قهرمانان جبران کنند. در نمونه‌هایی که پادشاه قصه‌ها با انجام خطاهایی، زمینه کاستن قدرت فر

نمودها، کارکردها و تجلی‌های فرکیانی در... _____ سحر یوسفی و همکاران

خویش را فراهم می‌کند، قهرمانی که با پیروزی بر دشمنان و ازدواج با شاهزاده‌خانم، منتسب به شخصی می‌شود که فر موروثی دارد. همانگونه که وقتی «شاپوردختگ به نرسه پیوست و به زوجیت بهرام سوم درنیامد، فر نرسه ممتاز شد» (سودآور، ۱۳۸۳: ۸۸). جدول ۱ بسامد چگونگی کسب فر را در قصه‌های ایرانی نشان می‌دهد.

جدول ۱: چگونگی کسب فر در قصه‌های ایرانی

فر موروثی	فر استحقاقی	فر غالب	شیوه کسب فر پادشاهان قصه‌ها
٪۷۱	٪۱۸	٪۱۱	

۵-۶. گسست فر کیانی

دو خطا در باورهای اساطیری سبب گسست فر کیانی است: ادعای خدایی کردن و یا بیدادگری به خلق (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۱). بارزترین نمونه گسست فر در اساطیر و شاهنامه، گسست فر جمشید است. گسست فر کیانی در چهارده قصه، به دو شکل صورت می‌گیرد: نخست، داستان‌هایی که فر پادشاه به دلیل ستم و آز برای همیشه گسیخته می‌شود و دوم، نمونه‌هایی که پادشاه به دلیل خطایی کوچک، موقتاً از فر محروم می‌شود.

۵-۶-۱. گسست فر به شکل دائمی

در قصه‌های ایرانی، پادشاهانی که به ستم و آز روی می‌آورند، از ادامه پادشاهی محروم می‌شوند. اسکندر در داستان «آب حیات و بختک»، به هوس جاودانگی، به دنبال آب حیات می‌رود. هنگامی که آب حیات را در مشک آب می‌ریزد، کلاغی آن را سوراخ می‌کند و آب حیات نصیب اسکندر نمی‌شود و سرانجام با تیره‌روزی می‌میرد: «اسکندر گرفتار مرگ شد تا خاک گور چشمش را پر کند» (انجوی شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۴۴).

در پاره‌ای از نمونه‌ها، پادشاه به فرزند خود ستم می‌کند؛ برای نمونه پادشاه «قصه جانتیغ و چل‌گیس»، شخصیتی بی‌خرد و حریص است که به طمع ازدواج با همسر پسر خود، قصد نابودی فرزندش را دارد؛ اما سرانجام با همان غذای مسمومی که می‌خواسته

فرزندش را نابود کند، کشته می‌شود (همان، ۲۰۳). این قتل‌های شوم به شکل پدرکشی، پسرکشی و ... یکی از کردارهای تراژیک حماسه‌ها و اسطوره‌ها را به یاد می‌آورد (سرامی، ۱۳۹۲: ۴۴۸).

۵-۶-۲. گسست فر به شکل موقت

گسست فر در نمونه‌هایی دائمی است؛ اما در قصه‌های ایرانی نمونه‌هایی وجود دارد که فر به صورت موقت پس گرفته می‌شود. در داستان «پادشاه یمن»، یک اشتباه کوچک سبب گسست فر پادشاه می‌شود. پادشاه این داستان که مدام ترس از دست دادن حکومتش را دارد، با انجام کاری نابخردانه، زمینه این امر را فراهم می‌کند. درویشی از پادشاه تقاضا می‌کند که اجازه بدهد تا یک هفته به جای او بر تخت بنشیند و پادشاه هم قبول می‌کند. پس از یک هفته، پادشاه دیگر نمی‌تواند تختش را پس بگیرد و ناچار آن سرزمین را ترک می‌کند. سرانجام در سرزمینی دیگر، به یاری اقبال خود دوباره به پادشاهی می‌رسد (انجوی شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۷۹-۱۸۱). جدول ۲ بسامد انواع گسست فر پادشاهان را در قصه‌های ایرانی نشان می‌دهد.

جدول ۲: انواع گسست فر پادشاهان در قصه‌های ایرانی

گسست فر	به شکل ثابت	به شکل موقت
۱۴ داستان	۱۱ داستان	۳ داستان

۵-۷. تجلی نمودهای فر کیانی

تجلی‌های مادی و معنوی فر با بسامد ۱۵ درصد جایگاه خود را در قصه‌های عامه حفظ می‌کند. فر کیانی در باورهای اساطیری با چهره‌های مادی و معنوی‌ای چون نور، آتش و حیوانات تجسم می‌یابد (آموزگار، ۱۳۸۷: ۳۵۵-۳۵۶). این تجلیات و تجسم‌ها در قصه‌های ایرانی هم عبارت‌اند از: آب و برکت، خواب، نور و روشنی، قوچ و مرغ دولت (همان-جا). در ادامه به این جلوه‌های در قصه‌ها پرداخته می‌شود.

۵-۷-۱. آب و برکت

درباره جلوه‌های فر در باورهای اساطیری می‌گویند: «در *اوستا* فره هم آتش است و هم صورتی از مایع زندگی‌بخش. فره را نیز با آب زندگی یکی دانسته‌اند» (آموزگار، ۱۳۸۷: ۳۵۵-۳۵۶). در داستان «اسکندر و آب حیات»، اسکندر پس از آنکه آب حیات را به دست می‌آورد، از خوردنش منصرف می‌شود و آن را پای درختان سرو و مرکبات می‌ریزد. در روایت قصه ذکر می‌شود به سبب همین کار اسکندر، این درختان همیشه سبز و سرشار از برکت می‌شوند (انجوی شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۴۲).

در اساطیر ایران، این باور وجود دارد که وقتی پادشاه فر نداشته باشد، خشکسالی و بی‌برکتی به کشور می‌آید (بهار، ۱۳۸۷: ۳۰۴). یکی دیگر از تجلیات فر برکت است که در داستان «یوسف شاه پریان»، نمود برجسته‌ای دارد. پادشاه مدتی از کشورش دور می‌شود و برکت هم از میان می‌رود: «از وقتی سایه ملک احمد از این سرزمین کوتاه شده برکت از همه چیز رفته» (انجوی شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۵۸). با بازگشت پادشاه، برکت هم می‌آید: «چون او مظهر برکت سرزمین آن‌ها بود، ... سرزمینشان دوباره آباد شد و سبزه‌ها روید و مردم خوشبخت شدند» (همان، ۱۵۷-۱۵۸).

۵-۷-۲. خواب

خواب و رؤیا در اسطوره و حماسه جایگاهی ویژه دارد. خواب‌ها بستری برای آگاهی دادن از وقوع حوادث در آینده است و «اقوام ابتدایی حقایق را از درون خواب‌ها کشف می‌کنند و در اساطیر جمع می‌آورند» (مختاری، ۱۳۶۹: ۹۸). خواب، یکی دیگر از زمینه‌های ظهور تجسمات فر است؛ برای نمونه کی‌قباد پیش از رسیدن به پادشاهی به رستم می‌گوید: «به خواب دیدم که دو باز سپید از جانب ایران به سوی من آمدند و تاج بر سر من نهادند و مرا به شاهی برداشتند» (سرامی، ۱۳۹۲: ۵۵۴).

گاهی در *قصه‌های ایرانی* هم خواب همین کارکرد را می‌یابد، در داستان «ابراهیم گاوچران»، قهرمان قصه در خواب می‌بیند که «یک ماه از پیشانی‌اش درآمده و یک ستاره از این طرف صورتش و یک ماه از آن طرف صورتش» (همان، ۷۴). مرد گاوچران با دیدن این خواب و به دنبال تعبیر آن، سرزمینش را ترک می‌کند و سرانجام در

سرزمینی دیگر، به یاری بختش به مقام پادشاهی می‌رسد (همان، ۸۱). خواب به‌عنوان عنصری پیشگو، در خدمت قهرمان قصه می‌آید و قهرمان را به آن وامی‌دارد تا با تلاش خود فریادش را کسب کند. در میان تجسم‌های فر، عنصر خواب است که منحصر به طبقه عامه است که در جهان‌بینی تفکر فرهنگ عامه ریشه دارد، چون «اصولاً فرهنگ عامه خواستار پیروزی توده [مردم] بوده و در صدد است تا این امید به انحاء مختلف در دل مردم زنده بماند» (بلتهایم، ۱۳۹۲: ۵۰۹)، روحیه تساهل، خوش‌بینی و امیدواری در فرهنگ عامه و خصوصاً قصه‌های عامیانه، طبقات فرودست جامعه را ولو در قالب خواب و رؤیا سرشار از امید به آینده می‌سازد.

۳-۷-۵. نور و روشنی

نور و روشنایی، تجسمی از فر به‌شمار می‌رود. پادشاهان هم در تاریخ سعی داشتند تا نور خود را به مهر ایزد (میترا) نسبت دهند. از جمله «اردشیر دوم و داریوش سوم، خود را نور میترا می‌خواندند» (مهرین، ۱۳۸۰: ۱۱۷). این انتساب به مهر، از آنجا ناشی می‌شود که در باورهای اسطوره‌ای، مهر فرشته نگهبان فر است و دهنده و بازپس‌گیرنده این موهبت به‌شمار می‌آید و در *اوستا* نیز این فرشته، فر جمشید را از او می‌گیرد (کرتیس، ۱۳۸۸: ۱۳)؛ اما نکته جالب در قصه‌های ایرانی این‌جاست که هیچ نشانی از این فرشته کهن در کنار مفهوم فر وجود ندارد.

نور و روشنی، از تجسم‌های فر است که در قصه «ملک محمد و دیو یک‌لنگو» این‌گونه نمود می‌یابد: «پیرزن نگاهی به صورت جوان کرد و دید نه مثل اینکه از صورتش نور شاهزادگی می‌بارد» (انجوی شیرازی، ۱۳۹۳: ۱۴۸/۲). در روایت هشتم «مرغ سخنگو»، پادشاه با عنوان و صفت «شاه خورشید عالم‌تاب» می‌آید که یادآور تجسم فر است.

۴-۷-۵. قوچ

قوچ، از دیگر تجسم‌های فر در اساطیر و قصه‌هاست. «شکل قوچ نیز در تاج برخی از شاهان دیده می‌شود که نماد فره است» (آموزگار، ۱۳۸۷: ۳۵۸)، در داستان «ملک جمشید»

نمودها، کارکردها و تجلی‌های فرکیانی در... _____ سحر یوسفی و همکاران

هم این تجلی نمود می‌یابد. عقابی با پادشاه که قهرمان قصه است، روبه‌رو می‌شود و به او هشدار می‌دهد و می‌گوید: با دو قوچ روبه‌رو می‌شود که «یکی سفید و دیگری سیاه است. تو باید دستمال خودت را از روی قوچ سفید بیندازی و خودت سوار قوچ سیاه شوی، آن موقع قوچ سیاه تو را به روی قوچ سفید پرت خواهد کرد و قوچ سفید تو را به دنیای روشنایی و شهر خودت می‌اندازد» (انجوی شیرازی، ۱۳۹۳: ۲/ ۲۴۱). در این نمونه، رنگ قوچ با بخت و اقبال نیک یا بد قهرمان نیز در پیوند است.

۵-۷-۵. مرغ دولت

در اساطیر آمده که فر جمشید در کالبد «مرغ وارغن» به بیرون می‌شتابد و از این روی، می‌توان این پرنده را تجسمی از فر به‌شمار آورد (اوستا، ۱۳۸۲: ۴۹۰/۱) در داستان «اقبال و زمرد شاه»، با رسمی در انتخاب پادشاه سرزمینی روبه‌رو می‌شویم که نمی‌تواند بی‌ارتباط با این پرنده کهن باشد: «در زمان قدیم وقتی مردم می‌خواستند پادشاهی از بین مردم انتخاب کنند، همه مردم در یک محل جمع می‌شدند. یک نفر از آن‌ها روی بلندی می‌ایستاد و «مرغ دولت» را رها می‌کرد. این مرغ روی سر هر که می‌نشست، او را پادشاه می‌کردند» (انجوی شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۷۶). «مرغ دولت» را می‌توان تجسمی دیگر از فر در فرهنگ عامه دانست که در کنار پرنده همای سعادت، تجسمی مادی از فر است. جدول ۳ بسامد حضور تجلی‌های فرکیانی را در قصه‌های ایرانی نشان می‌دهد.

جدول ۳: تجلی‌های فرکیانی در قصه‌های ایرانی

نام تجلی	آب و برکت	خواب	نور و روشنی	قوچ	مرغ دولت
بسامد	۳ داستان	۳ داستان	۲ داستان	۲ داستان	۱ داستان

۶. پیوند فره و بخت‌یاری

در باورهای اسطوره‌ای، شخص فره‌مند اقبالی نیک دارد؛ به عبارتی دیگر، اگر فر همراه شخصی باشد، سبب نیکبختی او و اگر از او جدا شود، سبب تیره‌روزی‌اش می‌شود (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۶: ۳۱)؛ زیرا این موهبت آسمانی «به‌صورت قدرت، ثروت، موفقیت

و جز آن بر زندگی مردم اثر می‌گذارد و شکل می‌پذیرد» (اوستا، ۱۳۸۲: ۱۱۸/۲-۱۱۹) و از همین روی فره‌مندی را نشانه‌ای از ترقی و نیکبختی دانسته‌اند (آموزگار، ۱۳۸۷: ۳۵۱). داشتن اقبال نیک برای شخص فره‌مند، باوری است که در اعتقادات عامه هم نمود دارد. یکی از نمونه‌های برجسته پیوند بخت و فر را در داستان «اقبال و زمرد شاه» می‌بینیم. پادشاه این قصه، با روی گرداندن اقبالش از او، پادشاهی خود را هم از دست می‌دهد؛ اما هنگامی که بخت در تجسم «مرغ دولت» به او روی می‌آورد، مجدداً به پادشاهی می‌رسد (انجوی شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۷۶-۱۷۷). بخت‌یاری در گرو حفظ فر است و با جدا شدن فر از پادشاه، فرجامی شوم در انتظار اوست.

۶-۱. پیوند بخت‌یاری فر و ظهور کهن‌الگوها

در بررسی نمودهای بخت‌یاری شخص فره‌مند دریافتیم که یک وضعیت مدام در قصه‌ها تکرار می‌شود. اغلب، شخص فره‌مند در شرایطی از بخت‌یاری بهره‌مند می‌شود که شخصیتی راهگشای مشکلات و چالش‌های اوست و در حل مشکلاتش او را راهنمایی و یاری می‌کند. پادشاهان و اشخاص فره‌مند در این قصه‌ها برای ایجاد شرایطی مطلوب، رفع چالش‌ها و تقویت فر به قهرمان قصه تبدیل می‌شوند. این قهرمان‌ها برای حل چالش‌ها نیازمند یاریگر و راهنما هستند؛ بنابراین بخت‌یاری زمینه ظهور انگاره‌های کهن‌الگویی فراهم می‌شود. پیش از بررسی این پیوند در نمونه‌ها، مفهوم‌شناسی کهن‌الگوها ضروری به نظر می‌رسد.

۶-۱-۱. مفهوم‌شناسی کهن‌الگوها

کهن‌الگو یکی از اصطلاحات روان‌شناسی است که در نقد ادبی کاربردی گسترده یافته است. از آنجا که «باورهای فولکلوری، مخزن عظیمی از اسناد مربوط به یک دوران از ذهنیت بشریت است» (ایلیاده، ۱۳۸۷: ۲۶۱)، اسطوره‌ها، افسانه‌ها و قصه‌های عامه بستری مناسب برای ظهور انگاره‌های کهن‌الگویی هستند. در تعریف کهن‌الگو می‌توان گفت: «کهن‌الگو به معنی نقشی است که هم در شکل و هم در محتوا از ویژگی‌های باستانی و

نمودها، کارکردها و تجلی‌های فرکیانی در... _____ سحر یوسفی و همکاران

الگوی اسطوره‌ای برخوردار است و الگوهای اسطوره‌ای خالص را می‌توان در داستان‌های جن و پری، اساطیر، افسانه‌ها و معتقدات عامیانه دید» (یونگ، ۱۳۸۲: ۵۲). اغلب، هر قصه‌ای قهرمانی دارد و ناگزیر از رفع چالش‌هاست. در بستر این وضعیت، شخصیت‌های کهن‌الگویی‌ای چون قهرمان، پیرخرد و سایه ظهور می‌کنند. کهن‌الگوی قهرمان، یکی از اصلی‌ترین شخصیت‌های کهن‌الگویی است. این کهن‌الگو می‌تواند چالش‌های خود یا دیگران را حل کند؛ اما گاهی «به دلایل بیرونی و درونی، قهرمان خود توان رفع آن را ندارد» (همو، ۱۳۹۰: ۱۱۲). کهن‌الگوی سایه هم اغلب در شخصیت ضدقهرمان به شکل‌های مختلفی فرافکنی و نمادینه می‌شود تا قهرمان را در ادامه مسیر، دچار چالش سازد (همو، ۱۳۸۷: ۱۷۵). پیر خرد از دیگر شخصیت‌های کهن‌الگویی‌ای است که با ظهور قهرمان نمود می‌یابد و «همیشه پیر وقتی ظاهر می‌شود که قهرمان به وضعی سخت و چاره‌ناپذیر دچار است» (همو، ۱۳۹۰: ۱۱۲). در این هنگام پیر خرد در شکل‌ها و شخصیت‌های مختلفی ظاهر می‌شود تا قهرمان را راهنمایی کند و یا به او یاری برساند (کمپبل، ۱۳۸۷: ۲۲۰). به این ترتیب، قهرمان با داشتن چالش، سایه، با کنش ایجاد چالش و پیرخرد، با کنش رفع چالش و یاریگری به یکدیگر پیوند می‌خورند.

۶-۱-۲. بخت‌یاری قهرمان فره‌مند

ظهور بخت‌یاری فر شخصیت‌های فره‌مند در ۷۹ درصد از نمونه‌ها با ظهور نمودهای کهن‌الگویی همراه است؛ به این معنا که پادشاه، شاهزاده یا فردی از طبقه عامه که به پادشاهی می‌رسد، با چالشی سخت روبه‌رو می‌شود که ضدقهرمان (سایه) آن را ایجاد می‌کند. قهرمان برای رفع این چالش به راهنما یا یاریگرانی (پیرخرد) نیاز دارد. در ادامه با بررسی نمونه‌هایی برجسته از بخت‌یاری شخص فره‌مند، ظهور این شخصیت‌های کهن‌الگویی را بررسی می‌کنیم.

در داستان «شاهزاده ابراهیم و شاهزاده اسماعیل»، ماجرای پادشاه پیری را می‌خوانیم که جانشینی ندارد و این‌جاست که پیرخرد در قالب درویشی نمود می‌یابد تا او را یاری برساند: «درویش یک سیب سرخ از توبره‌اش درآورد و به پادشاه گفت: این سیب را

نصف می‌کنی، نصفش را خودت می‌خوری و نصف دیگرش را هم می‌دهی به زنت بخورد. بعد از نه ماه و نه روز و نه ساعت خداوند به تو دو تا پسر خوب و دو قلو می‌دهد» (انجوی شیرازی، ۱۳۵۵: ۸۷).

در داستان «شاهزاده ابراهیم و فتنه خون‌ریز»، قهرمان قصه شاهزاده‌ای است که خواستار وصل با دختری است که تمام خواستگاراناش را نابود می‌کند. این دختر تجلی مخرب سایه قهرمان است که برای او چالش‌زا شده است. در این شرایط، جلوه بخت‌یاری قهرمان در شکل پیر خرد تجسم می‌یابد و او با پیرزنی روبه‌رو می‌شود تا یاری‌اش بدهد. با راهنمایی‌ها و چاره‌جویی‌های پیرزن، دختر فتنه خون‌ریز راضی می‌شود تا با قهرمان ازدواج کند (انجوی شیرازی، ۱۳۹۳: ۴۳/۱-۴۵).

درباره ظهور پیر خرد در هیئت حیوانات می‌توان گفت: «در افسانه‌های پریان مکرر و مکرر با موضوع حیوانات یاری‌دهنده مواجه می‌شویم» (یونگ، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۱۲۷). سیمرغ نمونه‌ای برجسته در شاهنامه است و «برای زال برای پروردگاری است دانا و دلسوز و راهنمایی است خردمند و آگاه، پزشکی است درمان‌بخش و رهاننده از بیماری و مرگ» (مختاری، ۱۳۶۹: ۷۴). در داستان «گل به صنوبر چه کرد»، هم سیمرغ یکی از تجلی‌های پیر خرد است. قهرمان این قصه، شاهزاده‌ای است که می‌خواهد راز گل و صنوبر را کشف کند تا بتواند با دختر مورد علاقه‌اش ازدواج کند. از اقبال نیک قهرمان هنگام بروز مشکلات، چند تجلی پیر خرد در قصه ظهور می‌یابند. قهرمان ابتدا با چند کبوتر روبه‌رو می‌شود که نخستین تجلی پیر دانا در این قصه هستند. کبوترها، مشغول گفت‌وگو می‌شوند و یکی از کبوترها به دو کبوتر دیگر می‌گوید: «این جوان بایستی هر طور شده و صاحب دکان هر شرطی بکند، قبول کند و داخل منزل گل شود تا از سرگذشت گل و صنوبر آگاه شود» (انجوی شیرازی، ۱۳۹۳: ۴۳۱/۱-۴۳۲). در ادامه داستان، قهرمان با تجلی دیگری از پیر دانا روبه‌رو می‌شود که یاریگر و راهنمای اوست: «پیرمرد روشن‌ضمیر پر مرغی را از شال کمر خود خارج کرد و گفت: ای جوان هر جا درمانده و ناچار شدی این پر را آتش بزن. مرغی تو را نجات خواهد داد» (همان، ۴۳۲). شاهزاده فره‌مند هم وقتی از راز گل و صنوبر آگاه می‌شود، گل که تجلی سایه قهرمان است،

نمودها، کارکردها و تجلی‌های فرکیانی در... _____ سحر یوسفی و همکاران

می‌خواهد او را نابود کند. قهرمان هم پر را آتش می‌زند و فوراً سیمرغ که نمودی دیگر از پیر خرد است، حاضر می‌شود و او را نجات می‌دهد (همان، ۴۳۵).
قهرمان داستان «دختر شهر چین» هم شاهزاده‌ای فره‌مند است که فریاری او به شکل کهن‌الگوی پیر خرد نمود پیدا می‌کند. پادشاهی که شاهزاده به سرزمین او سفر کرده است، وی را به مأموریت‌هایی اجباری می‌فرستد. پادشاه در این قصه، با عملکردهای چالش‌زای خود، نمود سایه قهرمان است و قهرمان در رفع این موانع ایجادشده از سوی او ناتوان می‌شود. این جاست که در بیابان با «یک پیرمرد نورانی» روبه‌رو می‌شود و با راهنمایی‌های او می‌تواند مأموریت‌های پادشاه را به انجام برساند و شیر جادویی و گربه چنگ‌نواز را با خود به قصر او ببرد. سپس به یاری‌های همین پیر خرد است که موفق می‌شود تا به جای پادشاه ظالم بر تخت نشیند (همان، ۱۹۳/۲-۱۹۴).

۷. نتیجه

قصه‌های عامه، از سنتی شفاهی و دیرینه سرچشمه می‌گیرند و از عناصر مهم شکل‌گیری فرهنگ و هویت ملی جوامع هم به‌شمار می‌آیند. فرکیانی یکی از مفاهیم اسطوره‌ای در اندیشه ایرانیان است که با حفظ کارکردهای اسطوره‌ای خویش، از دنیای اسطوره به دنیای حماسه و قصه‌های عامه می‌رسد. فرکیانی، باور اسطوره‌ای زنده‌ای است که در ۳۷ درصد از مجموعه چهار جلدی *قصه‌های ایرانی* نمود می‌یابد. فرکیانی هم در اساطیر و حماسه‌ها هم در قصه‌ها به اشخاصی بخشیده می‌شود که با خصوصیات خردورزی، مهربانی و دادگری خود را شایسته این موهبت ساخته‌اند. خلاف باور رایجی که درباره موروثی بودن فرکیانی وجود دارد، هم در اساطیر و هم در قصه‌های عامیانه نمونه‌هایی وجود دارد که فرکیانی به‌شکلی غیر موروثی است. همان‌گونه که در اساطیر و حماسه‌ها فرکیانی اغلب به‌شکل موروثی است، ۷۱ درصد از مجموع نمونه‌ها را در *قصه‌های ایرانی* به خود اختصاص می‌دهد، اما در ۱۸ درصد از نمونه‌ها، فر پادشاهان قصه‌ها با خویشکاری به‌صورت استحقاقی به‌دست می‌آید. در این قصه‌ها افرادی از طبقات فرودست جامعه بدون فر موروثی به پادشاهی می‌رسند، در طول داستان با شاهزاده‌خانمی ازدواج می‌کنند و با این وصلت منسوب به فر موروثی شاهزاده‌خانم می‌شوند. سپس با پیروزی‌های خود بر دشمنان، فر پادشاهی را کسب

می‌کنند. از آنجا که این موهبت ثابت و پایدار نیست، در ۱۱ درصد از نمونه‌ها با فر غالب رو به‌رو هستیم و در بیشتر قصه‌ها به شکل غلبه فر پسر بر فر پدر و یا غلبه بر فر برادران است. فر کیانی در قصه‌ها مانند اساطیر به سبب پیری، کاسته و یا با پیروزی‌های پیاپی، افزوده می‌شود. گسست فر در قصه‌ها مانند اساطیر و حماسه‌ها به دلایل بی‌خردی، ستم و آز، دائمی است؛ اما گاهی به دلیل خطاهای کوچک به‌طور موقت از پادشاهان قصه‌ها گرفته می‌شود. تجلی‌های مشترک فر کیانی در اساطیر و قصه‌های عامه هم در ۱۵ درصد از نمونه‌ها وجود دارد و عبارت‌اند از: آب و برکت، خواب، نور و روشنی، قوچ و مرغ دولت. خواب یکی دیگر از تجسم‌های فر در قصه‌هاست که تنها منحصر به پادشاهان برخاسته از طبقه عامه است. بخت‌یاری هم یکی از امتیازهای شخص فرمند محسوب می‌شود که به شکل اقبالی نیک برای دارنده‌اش ظهور می‌یابد. از آنجا که قصه‌ها در ناخودآگاه جمعی بشر ریشه دارند، بخت‌یاری اشخاص فرمند در قصه‌ها این قابلیت را دارد که زمینه ظهور کهن‌الگوها را فراهم سازد. در ۷۹ درصد از کل نمونه‌ها، اشخاص فرمند در برخورد با موانع به قهرمانان قصه تبدیل می‌شوند. در تقابل قهرمان و سایه، پیر خرد ظاهر می‌شود تا قهرمان را برای رفع چالش‌هایی که سایه ایجاد کرده است، راهنمایی کند و یاری برساند. در این نمونه‌ها، همه این فرایند و ارتباط سه‌سویه قهرمان، سایه و پیرخرد در بستر بخت‌یاری فر کیانی است که شکل می‌گیرد.

منابع

- اوستا (کهن‌ترین سرودهای ایرانیان) (۱۳۸۲). گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه. ۲ ج. چ ۹. تهران: مروارید.
- آموزگار، ژاله (۱۳۷۴). «فره، این نیروی جادویی و آسمانی». کلک. س ۵. ش ۶۸-۷۰. صص ۳۲-۴۱.
- _____ (۱۳۸۷). زبان، فرهنگ و اسطوره. چ ۲. تهران: معین.
- _____ و احمد تفضلی (۱۳۸۶). اسطوره زندگی زرتشت. چ ۷. تهران: چشمه.

نمودها، کارکردها و تجلی‌های فرکیانی در... _____ سحر یوسفی و همکاران

- احمدوند و همکاران (۱۳۹۵). «فهم تحول و تطور اسطوره فر ایزدی از عهد اسلامی تا دوران ساسانی از عهد اسلامی تا دوران ساسانی». *تحقیقات تاریخ اجتماعی*. د ۶. ش ۱۱. صص ۱-۳۲.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم (۱۳۵۳). *قصه‌های ایرانی*. چ ۱. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۵۵). *عروسک سنگ صبور (قصه‌های ایرانی)*. چ ۱. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۹۳). *گل به صنوبر چه کرد*. چ ۱. چ ۲. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۹۳). *دختر نارنج و ترنج*. چ ۲. چ ۳. تهران: امیرکبیر.
- ایلیاده، میرچا (۱۳۸۷). *اسطوره و رمز در اندیشه میرچا ایلیاده*. ترجمه جلال ستاری. چ ۳. تهران: نشر مرکز.
- بلتھایم، برونو (۱۳۹۲). *افسون افسانه‌ها*. ترجمه اختر شریعت‌زاده. چ ۳. تهران: هرمس.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). *پژوهشی در اساطیر ایران*. چ ۱-۲. چ ۲. تهران: آگاه.
- _____ (۱۳۸۷). *از اسطوره تا تاریخ*. چ ۶. تهران: چشمه.
- پوردوود، ابراهیم (۱۳۷۷). *یشت‌ها*. چ ۲. چ ۱. تهران: اساطیر.
- زمانی، حسین (۱۳۸۶). «شاه آرمانی در ایران و بایستگی‌های او». *تاریخ*. د ۲. ش ۷. صص ۱۲۳-۱۳۷.
- عناصری، جابر (۱۳۷۴). *تجلی دوازده ماه در آیین اساطیر و فرهنگ عامه ایران*. چ ۱. مرنند: قمری.
- سرامی، قدمعلی (۱۳۹۲). *از رنگ گل تا رنج خار (شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه)*. چ ۶. تهران: علمی و فرهنگی.
- سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۳). *فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان*. چ ۱. تهران: میرک.
- صدری، محمود (۱۳۷۵). «تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم فره ایزدی در شاهنامه». *کیان*. د ۶. ش ۲۹. صص ۵۴-۵۸.
- صدیقیان، مهین‌دخت (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیری - حماسی ایران به روایت منابع بعد از اسلام*. چ ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فرای، نورترپ (۱۳۸۷). *ادبیات و اسطوره (مجموعه مقالات اسطوره و رمز)*. ترجمه جلال ستاری. چ ۳. تهران: سروش.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). *شاهنامه*. به کوشش سعید حمیدیان. چ ۱۷. تهران: نشر قطره.
- کلاهچیان، فاطمه و سحر یوسفی (۱۳۹۶). «تأملی بر جلوه‌های فره‌باوری در تاریخ بیهقی». *نشرپژوهی ادب فارسی*. س ۲۰. ش ۴۲. صص ۱۶۵-۱۸۳.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۷، شماره ۲۶، خرداد و تیر ۱۳۹۸

- کرتیس، وستا سرخوش (۱۳۷۶). *اسطوره‌های ایرانی*. ترجمه عباس مخبر. چ ۲. تهران: نشر مرکز.
- کمپبل، جوزف (۱۳۸۷). *قهرمان هزار چهره*. ترجمه شادی خسروپناه. چ ۳. مشهد: گل آفتاب.
- کومون، فرانترز (۱۳۸۶). *دین مهری*. چ ۱. تهران: نشر ثالث.
- گریمال، پیر و همکاران (۱۳۹۳). *انسان و اسطوره*. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. چ ۱. تهران: هیرمند.
- مارزلف، اولریش، (۱۳۷۱). *طبقه‌بندی قصه‌های عامیانه*. ترجمه کیکاووس جهاننداری. چ ۱. تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی.
- ماه‌وان، فاطمه و همکاران (۱۳۹۴). «بررسی نمادهای تصویری فر (با تأکید بر نگاره‌های شاهنامه)». *پژوهش‌نامه ادب حماسی*. د ۱۱. ش ۱۹. صص ۱۱۹-۱۵۷.
- محمدی، ذکراالله و محمد بیطرفان (۱۳۹۱). «انتقال و تحول اندیشه سیاسی فره ایزدی از ایران باستان به ایران اسلامی، با تکیه بر مبانی فکری اندیشه گرایان ایرانی». *سخن تاریخ*. س ۶. ش ۱۶، صص ۳-۳۶.
- مختاری، محمد (۱۳۶۹). *اسطوره زال (تبلور تضاد و وحدت در حماسه ملی)*. چ ۱. تهران: آگاه.
- موسوی، کاظم و اشرف خسروی (۱۳۸۹). *پیوند خرد در اسطوره و شاهنامه*. چ ۱. تهران: مهرآیین.
- مهرین، مهرداد (۱۳۸۰). *دین بهی*. چ ۲. تهران: فروهر.
- واحد دوست، مهوش (۱۳۸۷). *نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی*. چ ۲. تهران: سروش.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۷). «فره ایزدی و حق الهی پادشاهان». *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*. ش ۱۲۹-۱۳۰. صص ۴-۱۹.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۲). «ولادت قهرمان». *پل فیروزه*. س ۲. ش ۷. صص ۵۰-۸۳.
- ----- (۱۳۸۷). *انسان و سمبول‌هایش*. ترجمه محمود سلطانی. چ ۶. تهران: جامی.
- ----- (۱۳۹۰). *چهار صورت مثالی*. ترجمه پروین فرامرزی، چ ۳. مشهد: آستان قدس رضوی.

The aspects, functions and manifestations of Farvahar in Persian tales

Sahar yousefi¹ Mohammad Irani*² Khalil Beig Zadeh³
Amir Abbas Azizi Fard⁴

1. Ph.D. candidate in Persian language and literature- Razi university – Kermanshah – Iran.
2. Associate professor of Persian language and literature - - Razi university – Kermanshah – Iran.
3. Associate professor of Persian language and literature - - Razi university – Kermanshah – Iran.
4. Assistant professor of Persian language and literature - - Razi university – Kermanshah – Iran.

Received: 08/12/ 2018

Accepted: 23/04/2019

Abstract

Folk tales are among the fascinating and dynamic forms of folk culture and literature reported in oral and ancient tales. Farahvar is one of the most prominent concepts in mythological and epic beliefs revealed by folk stories. However, obvious examples of the kings of Farahmand in mythology and the epic types have inherited their form, but this form is not the only way to acquire the character of Farahvar. By adopting a descriptive-analytical research methodology, this article attempts to reveal the nature of Farvahar in a collection of four volumes of Iranian stories. The study of Iranian stories and the extraction of many examples from the stories showed that the nature, the manifestations, the forms and the characteristics of Farvahar retain their mythological functions in the Persian narratives. Farvahar is often inherited from stories, and there are examples of this gift taken temporarily or permanently from the king. However, the promising ideas of folklore in the context of narratives allow the lower strata of society to reach the level of monarchy. It should be noted that the spirituality that exists in the stories of Farvahar and the tales, and the luck of the individuals is also a platform for the emergence of archetypes of the model.

Keywords: Farvahar, chance, archetypal pattern, Iranian tales

*Corresponding Author's E-mail: moham.irani@gmail.com